

حرف درشت

چرا تفلیس برای ما از اروپا بهتر است؟!



یوریا عالمی

• ببینید ما معتقدیم خارج عشق‌وحال است و داخل سدحال. همین باعث شده وقتی ایرانی‌م، حسرت خارجی‌ها را بخوریم و بگویم الان با زانو توی عسل هستند. حالا اما ببینید ما چه می‌گوییم: **اروپا**

وقتی به اروپا سفر می‌کنیم، نظم و تکنولوژی و آزادی‌های مدنی که دارند، بغض ما را درمی‌آورد و زار می‌زنیم که تنها راه رهایی مهاجرت است. خب خارجی‌ها، هم شهرهای تمیزی دارند، هم امکانات شهری خوبی دارند، هم کلی بساط سرگرمی مجردي و خانوادگی دارند، هم هوای پاک‌تری دارند، هم مترو و اتوبوس ردیف‌تری دارند، هم شغل بیشتری دارند، هم تورم کمتر دارند، هم امید به زندگی بیشتری دارند، هم کتاب و مجله را بدون مجوز منتشر می‌کنند، هم هر فیلم و تئاتر و موسیقی‌ای که دلشان بخواهد می‌سازند، هرچی می‌خواهند می‌پوشند و هرچی هم نخواهند اصلا نمی‌پوشند، تلوزیون و رادیوی خصوصی دارند و... خلاصه طوری هستند که آدم گول ظاهرشان را می‌خورد! و به غلط فکر می‌کند حال آنها به همین دلایل واقعی و بوج از ما بهتر است و خلاصه زندگی ما را کوفتمان می‌کنند.

تفلیس

برخلاف اروپا، تفلیس اصلا این‌طوری نیست. شهرش شبیه ما یک بافت فرسوده بزرگ است...، اوضاع پولی کشور؛ یعنی گرجستان هم خوب نیست! و راستش کلا شبیه اروپا نیست، اما تلاش کردند با نداشتن کار به کار مردم، بگذارند به همه خوش بگذرد!

درواقع شما وقتی می‌آیی تفلیس اصلا معلوم نیست رفتی خارج، چون شبیه داخل است. از طرفی شبیه ما جهان سوم هستند که حسن جهان سوم این است که دوتا جهان اول و دوم را در خودش دارد!

نتیجه

تفلیس برای این خوب است که یاد بگیریم زندگی خوب نیاز به استانداردهای بالای زندگی ندارد! دل خوش می‌خواهد آقا، دل خوش وگرنه جیب تفلیسی‌ها از جیب ما خالی‌تر است.

شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

شنبه ۵ اسفند ۱۳۹۶ • ۷ جمادی‌الثانی ۱۴۳۹ • ۲۴ فوریه ۲۰۱۸ • سال پانزدهم • شماره ۳۰۹۳ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۱۸:۱۲ • اذان صبح فردا ۵:۱۸ • طلوع آفتاب ۶:۴۱

روزنامه‌فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

مهدی عزیزی

از این پس در خانه بنزین بزنید / پمپ بنزین های سیار به راه افتادند



زنانی که من دیده‌ام

یک کاج از ۶۰ هزار کاج

زهرا عمران‌ی

حکایت این ستون روایت تجربه‌های زیسته‌شده، مشاهدات و گفت‌وگوهایم با زنانی است که دیده‌ام؛ گفت‌وگوهایی در ظاهر معمولی که روزنه‌ای شده بر دنیاهایی جذاب و گاه نامتعارف، جذابیت و تأثیر این دنیاها به قدری بود که دلم نیامده آنها را تا همیشه برای خود نگه دارم. آشنایی با آکیکو ورود به یکی از آن دنیاهای شگفت‌انگیز است. آکیکو زنی ژاپنی است؛ دکترای اقتصاد دارد و چندسالی است شیفته فرهنگ ایران و منش مردم این سرزمین شده است. با پشتکار زبان فارسی را فراگرفته و از هر فرصتی برای سفر به این کشور به قول خودش «دلربا» استفاده می‌کند. نامه‌اش را که به دستم داد، بی‌اختیار اشکم روان شد، بغض این ماه‌ها شکست، انگار در گُنه سیاهی‌های بی‌پایان همیشه روزنه‌ای هست. روزنه آکیکو در کوران سونامی مهر مردم ایران بوده و آن را این‌چنین توصیف کرده است:

«دوستان ایرانی عزیزم

نام من آکیکو موراکامی است و محققی دانشگاهی در ژاپن هستم. من چندین‌بار به ایران سفر کرده‌ام و چندین دوست ایرانی دارم و به زبان فارسی آشنایی دارم. فکر می‌کنم ایران کشوری بسیار دلربا است. شهرها و طبیعت بسیار زیبایی دارد. مردم پر از انرژی هستند و آبرویشان را دوست دارند و در زندگی روزمره‌شان جنبه‌های تاریخی و مدرن، ماهرانه با هم هماهنگ شده‌اند. دلیل اینکه این نامه را می‌نویسم این است که می‌خواهم به هر وسیله که باشد از شما مردم ایران برای پشتیبانی، مهربانی و دوستی‌تان قدردانی کنم. چنانکه می‌دانید ما به دلیل سونامی هفت سال پیش در ۱۱ مارس دچار آسیب سنگینی شدیم. به‌خصوص زادگاه من، ایواته، سخت خسارت دید، خانه برادر و عمه‌ام فرو ریخت و چندین نفر از دوستان و خویشاوندانم از دست رفتند.



پیش از سونامی در شهر ما ۶۰ هزار درخت کاج کنار دریا رویده بود، اما صبح روز بعد تنها یک کاج مانده بود. در آن روزها بسیاری از ایرانی‌های ساکن ژاپن، فوراً به ایواته آمدند و برای آسیب‌دیدگان غذا درست کردند. ممکن است فکر کنید که کمک‌کردن به مردم آسیب‌زده امری معمول است، اما در روزهای پلافاصله پس از مصیبت سونامی هیچ چیز «معمولی» نبود. مخصوصاً به علت حادثه اتمی بسیاری از خارجی‌ها از ژاپن رفتند، اما تا آنجا که من می‌دانم ایرانی‌ها تقریباً همگی در ژاپن ماندند و حتی بسیاری از آنها آمدند تا به هم‌شهری‌هایم کمک کنند. یک گروه، یک‌صد هزارین (نزدیک به یک میلیون و چهارصد و پنجاه تومان) جمع کرد و در پنجاه‌گاہ با ساندویچ کباب و سوپ از مردم پذیرایی کرد. یک ایرانی درحالی‌که گریه می‌کرد غذا می‌پخت و آسیب‌دیدگان هم گریه می‌کردند چرا که آنها از صمیمیت آن ایرانی متأثر شده بودند. در آن هنگام تقریباً تمامی آسیب‌دیدگان برای اولین‌بار غذای ایرانی می‌خوردند بنابراین همه آنها بسیار خوشحال بودند.

پیغام سفیر ایران، جناب آقای عراقچی، ما ژاپنی‌ها را بسیار خوشحال کرد. او گفت که ژاپن مثل هماست که چندین‌بار از خاکستر زنده می‌شود و ما به یاد آوردیم که مسلمانا پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌هایمان پیش از این ژاپن را دوباره نو از خاکستر ساخته بودند. ما هم می‌خواهیم چنین کاری کنیم و باید بکنیم. یکی از دوستان ایرانی‌ام سخاوتمندانه اعانه داد و همچنین من از طرحی شنیدم که در آن خانواده‌های ایرانی آسیب‌دیدگان را در خانه‌هایشان می‌پذیرفتند. از مردم ایران، برای دعا و پشتیبانی‌های گوناگون‌شان برای ژاپن خیلی سپاسگزارم. شنیده بودم که ایرانی‌ها در سفارت ژاپن در تهران برای قربانیان سونامی دعا کردند. اشکم فروریخت و متوجه شدم که ما از شما ایرانی‌ها هنوز تشکر درست‌وحسابی نکرده‌ایم. از صمیم قلب می‌خواهم

«خیلی خیلی ممتونم» را چندین‌بار بگویم.

هرچقدر زمان بگذرد، ما هرگز صمیمیت شما ایرانی‌ها را فراموش نخواهیم کرد.

آکیکو موراکامی، از ژاپن»

دریافت این نامه در روزهایی که غم به جانمان نشسته است، روزنه‌ای بود از پایداری مهر و همدردی در انتهای تاریکی و تلخی غم. آکیکو آرام و مصمم چون تنها کاج ایستاده پس از توفان، برای من نشانه‌ای است از ادامه حیات، از بقای همدردی و مهر و از امکانی برای ساخت دنیایی بهتر.

پشت جلد

تأملی دردمندانه

یک رفتار و سخن نه‌تنها اهمیت اصلی نیست بلکه حتی در اینکه اهمیت ثانوی باشد هم گاهی تردید وجود دارد. طبیعی است که نتیجه چنین وضعی افزایش شکاف جامعه با نهاد قدرت و در پی آن کاسته‌شدن از بیوستگی اجتماعی و هزارویک آسیب پس از آن باشد. با کاهش چسبندگی‌های جامعه، تعداد بی‌شماری گروه‌های کوچک یا حتی فرد پیدا می‌شوند که هر یک اولویت‌های متفاوتی دارند. گویی هرکسی به دنبال بیرون‌کشیدن گلیم خود از اوضاع به هر ترتیبی است. درست مثل جاده‌ای که در آن اتومبیل‌ها با نظم و ترتیب به دنبال هم با رعایت قانون در حرکت‌اند. به محض آنکه مشکلی پیش بیاید و این اتومبیل‌ها به دلیل استیصال یا ناامیدی به بازگشت سریع نظم یا خودخواهی یا هر دلیل دیگری از نظم اجتماعی فاصله بگیرند، هر یک تلاش می‌کنند فقط خود را از آن وضعیت برهانند. در نتیجه قانون و احترام به حقوق دیگران را کنار گذاشته و در مسیرهایی به حرکت می‌افتند که راه را هم برای خود و هم برای دیگران سخت‌تر می‌کنند. این همان وضعیت گسیختگی است. چه باید کرد؟ گروه‌های مرجع اجتماعی و رسانه‌ها باید روی صورت‌مسئله کار کنند. باید دید چگونه می‌توان از کشف‌ها کاست و به جای آن همبستگی را برنشاند.

سلام به فردا

مطبوعات سبب فراموشی مشکلات



دکتر مصطفی اقلیما

رئیس انجمن علمی مددکاران اجتماعی ایران

وقتی دو نفر طلاق می‌گیرند، طلاق آنها معلول چندین علت است. مثلاً این دو نفر از ابتدای ازدواج مشکل داشته‌اند؛ تربیت آنها مسئله داشته است؛ والدین پسر و دختر مسئله داشته‌اند؛ در همان زمان عروسی مشکل داشته‌اند؛ با پولی که وام گرفته‌اند، ازدواج کرده‌اند؛ اکنون بی‌کار هستند... این همه مسائلی است که به یک طلاق منجر می‌شود و این همه مسائل از کجا می‌آید؟ از اینکه از ازدواج آنها از همان اول غلط بوده است. این مثال را گفتم تا توضیح دهم که همه مسائل ریشه‌ای دارند و باید آنها را ریشه‌یابی کرد. آسیب‌های اجتماعی نیز علت‌های متعددی دارد که ریشه در قوانین و سیاست‌های یک جامعه دارند. اما برای حل این مسائل در همه‌جای دنیا دو شیوه را سرلوحه کار قرار می‌دهند: نخست شایسته‌سالاری است و دوم، پاسخ‌گویی. اول اینکه افراد وارد و متخصص را بر سر کارها می‌گذارند و دوم اینکه آنها را وادار به پاسخ‌گویی می‌کنند و مجازات‌هایی سنگین برای پاسخ‌گونیودن وضع می‌کنند. متأسفانه ما این دو مورد را نمی‌بینیم. مشکلات ما از همین‌جا ناشی می‌شود. همیشه این انتظار از رئیس‌جمهور به عنوان بالاترین مقام اجرایی وجود دارد که او باید افرادی شایسته منصوب کند که پاسخ‌گو باشند. اگر این دو مورد که رهبری نیز در مراسم تحلیف رئیس‌جمهور به آنها اشاره می‌کنند، در کشور پیاده نشود، به‌هیچ‌وجه با چنین آسیب‌هایی روبه‌رو نخواهیم شد. هر شخص باید در مقابل کار خود پاسخ‌گو باشد. سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی آسیب‌هایی به‌وجود می‌آورند و این آسیب‌ها سبب پدیدآمدن آسیب‌های بعدی می‌شوند. اما در کشورهای جهان سوم این مشکل وجود دارد که وقتی مردم به مسئله‌ای بیش از حد توجه می‌کنند، مسئله دیگری مطرح می‌شود تا مسئله اول کم شود. رسانه‌ها، مطبوعات و خبرنگاران و در واقع سردبیرها که به آنها سفارش مطلب می‌دهند، موضوع را عوض می‌کنند. وقتی مسئله‌ای تازه مطرح می‌شود، مردم مسئله پیشین را کم می‌کنند و پیگیری نمی‌کنند. در کشورهای پیشرفته وقتی خبرنگاران موضوعی را در دست دارند، آن را پیگیری می‌کنند و رهایش نمی‌کنند. مشکل بزرگ ما این است که وقتی مسئولی وعده‌ای می‌دهد، همان روز مطرح است و مطبوعات روز دیگر آن را دنبال نمی‌کنند. در مورد تخلف‌ها، اختلاس‌ها و حوادث نیز چنین وضعی برقرار است. در سمینارها گفته می‌شود که تا سال بعد قرار است چه کارهایی انجام شود اما سال بعد به دلایلی، خبرنگاران از آنها نمی‌پرسند که در سال گذشته چه کارهایی انجام شده و آیا به آن وعده‌ها عمل شده و مشکلات حل شده است یا نه. روزهایی به نام پزشک، معلم و پرستار مطرح می‌شود و در این روزها درباره این اصناف صحبت می‌شود، اما هیچ‌کس حاضر نیست بگوید که مشکلات این افراد چیست و چگونه باید حل شود و در آینده برای آنها چه باید کرد. اگر مشکلات فراموش می‌شوند، به نظر من به مطبوعات، رادیو، تلویزیون و سیاست‌های حکمفرما بر آنها برمی‌گردد.

اتفاق

فردا، اهدای نشان لاک‌پشت پرنده

به گلی امامی و غریب‌پور

شرق: روز ششم اسفند با اهدای نشان ویژه لاک‌پشت پرنده به گلی امامی و بهروز غریب‌پور، از این دو چهره مؤثر در فرهنگ و کتاب‌کودک و نوجوان ایران تقدیر می‌شود. در این آیین، گلی امامی به‌عنوان مترجمی پیشرو که بخش مهمی از کتاب‌های مهم ادبیات نوجوانان ایران را به فارسی ترجمه کرده و بهروز غریب‌پور به‌عنوان هنرمند، نویسنده و مدیر فرهنگی نشان ویژه دریافت می‌کنند. لاک‌پشت پرنده فهرستی است از کتاب‌های برتر هر فصل، برای کودکان و نوجوانان ایرانی. این کتاب‌ها را گروهی از منتقدان، کارشناسان و نویسندگان کودک و نوجوان، با بررسی کتاب‌های هر فصل، انتخاب می‌کنند. در این مراسم همچنین بیش از ۵۰ نویسنده، تصویرگر و مترجم حضور دارند که با کودکان و نوجوانان و والدینشان دیدار و گفت‌وگو و کتاب‌هایشان را برای آنان امضا می‌کنند. همچنین در آیین اهدای نشان‌های لاک‌پشت پرنده، نشان طلا و نقره به پدیدآورندگان کتاب‌های برگزیده و نشان ویژه به چهره‌های مؤثر کتاب کودک در چند دهه اخیر اهدا می‌شود و افزون‌براین به کتاب‌های برگزیده سال ۹۵ نیز نشان‌های طلایی و نقره‌ای اهدا می‌کنند. کتاب‌های برگزیده از بین آثار قرار است انتخاب شود: اسفالتی‌ها/ شهری که راه افتاد/ یعقوب را دوست داشتم/ سه‌گانه پتش خوار‌گر/ خوابی پر از گوسفند/ همایش پرندگان/ مجموعه بازی با ابزارهای ساده (سنگ/ طناب/ چوب)/ کودک باتلاق/ آتش‌خوار/ پرواز/ گروه دآوری لاک‌پشت پرنده شامل علی‌اصغر سیدآبادی، فرمهر منجزی، محمود برآبادی، تونزده‌جانی، حاجی نصرالله، حریری، فاطمه زمانی، کیسوف فغفوری، حدیث لزل‌غلامی، حدادیان، نلی محبوب، مریم محمدخانی، خوشکار، میرغیاثی و معصومه انصاریان است. ششمین دوره اهدای نشان طلا و نقره لاک‌پشت پرنده از ساعت ۱۸ در فروشگاه مرکزی شهر کتاب برگزار می‌شود و ورود برای عموم آزاد است.

DORCO
محصول کره جنوبی